

سدیدالسلطنه کبابی در آینه اسناد

محمد حسن نیا

میرزا محمد علی خان سدیدالسلطنه کبابی مینابی بندرعباسی، فرزند حاجی احمدخان سرتیپ کبابی مینابی بندرعباسی، دارای لقب سرهنگی، در ۲۳ رجب سال ۱۲۹۱ هجری قمری برابر سال ۱۲۴۹ شمسی / ۱۸۷۴ میلادی / ۱۲۴۸ خورشیدی در بغداد به دنیا آمد (شیخ آقا بزرگ طهرانی، ص ۳۳۰) و در یازدهم رجب سال ۱۳۶۲ هجری قمری برابر با چهاردهم مردادماه سال ۱۳۲۰ هجری شمسی در ۷۱ سالگی در بندر عباس درگذشت. (یادنامه شادروان سپهبد فرج الله آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۱۴-۱۶؛ هدایت، ص ۶۰۸؛ بامداد، ۱۳۷۱، ص ۲۴۴) او در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در زمان مظفرالدین شاه ملقب به سدیدالسلطنه شد. (سپهر، ۱۳۶۸، ص ۳۱۰)

سدیدالسلطنه ۷۱ سال زندگی خود را در خدمات دیوانی و دولتی و مسافرت‌های تحقیقی و تتبع در مسائل مختلف خلیج فارس به خصوص جغرافیای تاریخی بندرها و جزیره‌های آن به سر آورد. سدید صرف و نحو را نزد مرحوم سید جواد مجتهد یزدی و مرحوم حاج شیخ عبدالله امام جمعه بوشهری و عروض و بدیع را نزد مرحوم میرزا حسین اهرمی و جغرافیا و فیزیک را به نوشته خودش نزد مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی در شهر بوشهر فرا گرفت. (جمالی، ۱۳۷۴، ص ۱۴) میرزا محمدعلی خان راجع به آمدن سید جمال‌الدین اسدآبادی به خانه آن‌ها می‌نویسد: «سید جمال‌الدین در تاریخ ۱۳۰۳ در بوشهر به منزل او وارد شده، در مجله کاوه می‌نویسد که سید در سال ۱۲۷۳ از همدان به شیراز و بوشهر آمده و به هندوستان رفت. توصیه چند از همدان به حاجی عبدالنبی آل ظفر از تجار بوشهر داشته و در خانه او واقع در محله کوتی منزل کرده است. حاجی غلامحسین بندر ریگی که داماد حاجی عبدالنبی آل صفر بود و خود از فضلا و شعرای بوشهر محسوب می‌شد، در مدت توقف سید در بوشهر با او معاشرت داشت و با سید از زمان ۱۲۷۲،

اولین مسافرت او از ایران به هند، رابطه داشت. یک روز از سید پرسید شما که از اسدآباد همدان هستید، چرا خود را افغانی معرفی کرده‌اید؟ سید در جواب گفت: افغانی تخلص شعری من است». (ساسانی، ص ۱۹۶)

رفتن سید جمال‌الدین به بوشهر و اقامت در خانه احمدخان کبابی، دلایل دیگری هم داشته که این گونه آمده است: «وقتی سید جمال‌الدین به بوشهر رسید و تهران از راه گزارش‌های تلگراف‌خانه‌ای دریافت که او در آن شهر به سر می‌برد، محمد حسن خان صنیع‌الدوله خیر حضور سید جمال و توقف ممتد او را در بوشهر به شاه می‌دهد، این خبر در وجود شاه ناگهان هوس استفاده از استعداد و قلم روزنامه‌نویسی سید را برای تأمین برخی از حوایجی که در دل نهفته بود، برمی‌انگیزاند و دستور می‌دهد او را به تهران دعوت کنند. محمد حسن خان دعوت تلگرافی برای سید فرستاد او را به تهران خواند، ولی در باطن از این بابت که مبادا شاه جانب سید را بگیرد، محمد حسن خان را از کار جرأید بردارد، در خاطر او دغدغهای به وجود آمده بود. سید جمال کتابخانه خود را که چند سال پیش هنگام تبعیدش از مصر به وسیله مأمورین انگلیسی به ایران، وطن او، فرستاده شده بود و پیش خانواده آل صفر همدانی در بوشهر محفوظ بود، در چندین صندوق با غلامی که پدر سدیدالسلطنه کبابی پیشکار قدیم امام مسقط در بندرعباس به او بخشیده بود، همراه برداشت و عازم تهران گشت». (قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۶۶۶ و ۶۶۷)

محمد علی خان شش ماه در مدرسه انگلیسی‌ها در بوشهر زبان انگلیسی آموخت، مدتی هم نزد مرحوم احمد ادیب پیشاوری تلمذ کرد و گاهی هم شعر می‌سرود و در شاعری «نهانی» و در آخر عمر «عاری» تخلص می‌کرد. (سیدجوادی، نوایی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹) خدمات اداری و دیوانی و دولتی مرحوم سدیدالسلطنه عموماً در خلیج فارس بوده و به مشاغلی از قبیل فتح بندر لنگه، طرد محمد بن خلیفه از بندر مزبور به سال ۱۳۱۶هـ ق، ریاست تذکره خلیج فارس به سال ۱۳۱۷هـ ق، کارگزاری دولت روسیه تزاری در بندرلنگه را بر عهده داشته است. در این زمان که سدیدالسلطنه در بندرلنگه بود، مستر براون، رئیس کمپانی ونکهاوس و شرکاء، وعده کرده بود بابت هر بسته‌ای که شرکت ونکهاوس وارد می‌کند، مبلغی به انجمن آزاد بپردازد. یکی از اعضای برجسته این انجمن سدیدالسلطنه، نماینده کنسولی روس، بود. (معاصر، ۱۳۵۳، ص ۸۵)

سدیدالسلطنه همچنین وکالت کنسول‌گری دولت روسیه در بندرعباس، معاونت حکومت بنادر جنوب و حکومت بندرلنگه، وکالت کنسول‌گری دولت فرانسه و مشاغل دیوانی و اداری متعدد دیگر نائل آمده و با پالتو شمه‌دار و مرصع و نشان تمثال مظفرالدین شاه سرافراز گشته (فرمان مورخ ذی‌القعدة سیچقان ثیل سنه ۱۳۱۸هـ ق) از دربار مظفرالدین شاه قاجار لقب «عمده الامرا» با درجه سرهنگی داشته (فرمان ذی‌القعدة ۱۳۱۶هـ ق با صحنه مظفرالدین شاه و مهر مشیر الدوله) و به سال ۱۳۱۹هـ ق فرمان پالتوی ترمه خلعت دریافت داشته است که با تمثال مظفرالدین شاه «فخر زیب بر دوش افتخار و اعتبار خود داشته باشد». از دربار تزاری مسکو نشان «سنت آنا» و از دولت فرانسه نشان «پالم آکادمیک» دریافت داشته است. (مرسلوند، ۱۳۷۴، ص ۳۹) خود سدید در صفحه ۲۸۵ در جلد اول کتاب اعلام الناس فی احوال بندرعباس نوشته است: «حال نگارنده: چنین گوید محمد علی پور حاج احمد خان، در بیست و سوم رجب سال هزار و دویست و نود و یک مطابق با هزار و دویست و پنجاه و دو شمسی متولد، در سال هزار و سیصد چهارده

قمری با پدر خود از خلیج فارس بداخله ایران رفت و کتاب «التدقیق فی سیر الطریق» را در آن مسافرت نوشته و ایام توقف در تهران «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب» نوشته و تقدیم مظفرالدین شاه نمود و سدیدالسلطنه لقب یافته، شرح حال خویش و نیاکان خود را مبسوطاً در آن کتاب درج و پس از دو سال مراجعت به خلیج فارس و توطن در عباسی نمود. در سال هزار و سیصد و شانزده با موافقت دریا بیگی در فتح بندرلنگه حاضر، به خلعت دولت و مواجب مباحی، در سال هزار و سیصد و هفده ریاست تذکره خلیج فارس حاصل و در سال هزار و سیصد و هیجده به پالتو شمه مرصع و کفالت کارگزاری بنادر نائل، در سال هزار و سیصد و نوزده به عطاء تمثال ملوکانه موفق و در سنه هزار و نهصد و سه از طرف دولت بهیه روس در موقعی که کارگزاری لنگه داشت، نشان سنت آنا از درجه سیم عنایت و در همان سال به اجازه وزارت جلیله امور خارجه و کالت کنسولگری روس در موقعی که کارگزاری بندرلنگه داشت قبول نموده و مردم را از اجحافات و تعدیات نجات داد. در سال هزار و نهصد شش از طرف دولت فرانسه به اعطاء نشان «پالم آکادمیک» نائل افتاد و در اوآن فراغ بال در جمع اطلاعات خود از حال جزایر و بنادر خلیج فارس مشغول و در سال هزار و سیصد و بیست و نه که حدود زندگانی ام به اربعین رسید، آنچه راجع به عباسی جمع داشت، در این مجموعه نگاشت و اعلام الناس فی احوال بندرعباس نام گذاشت و خطایا و خلل خود را از خداوند و خوانندگان عفو و اغماض می‌خواهد و پوزش می‌طلبد. ان الله ستار العیوب».

پدر سدیدالسلطنه، حاج احمدخان سرتیپ کبابی بندرعباسی است که مدت زمان طولانی کارگزاری دولت ایران را در بنادر و جزایر خلیج فارس داشته و در زمان بقاء سلطه حکام بر سواحل خلیج فارس به عنوان اجاره داران میناب، لنگه و جزایر، از طرف دولت ایران حافظ منافع اتباع ایران و روابط حکومت مرکزی ایران با مستأجرین عمانی بوده و به روزگاری که ضعف دولت مرکزی مانع ورود و نفوذ حکومت تهران در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان بوده است، مدتی در بوشهر امور حکومت بندر بوشهر را از طرف دولت کرده است و در همین زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی به بوشهر رسیده و نزد او مهمان بوده و محمدعلی خان پسر حاج احمدخان سرتیپ که در بوشهر نزد پدرش اقامت داشته، از محضر سید جمال‌الدین اسدآبادی، علوم جغرافیا و فیزیک آموخته است. حاج احمدخان سرتیپ خان سرتیپ کبابی در یک خانواده شیرازی که به زمان نادرشاه افشار به مسقط رفته‌اند، در سال ۱۲۵۱ هـ ق در مسقط به دنیا آمده و جد اعلائی او - بنا به نوشته سدیدالسلطنه - محمد علی خان افشار، سردار نادرشاه و فاتح مسقط و عمان به روزگار نادرشاه بوده است.

مرحوم احمد خان کبابی اهل ادب و شعر بود. نسخه خطی چهار اثرش در میان اوراق سدیدالسلطنه بدین شرح، به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران رسیده است:

- دیوان اشعار فارسی (به قطع رحلی)
- انساب العرب به عربی
- المعدنیه به عربی

سفرنامه حاجی احمد خان با حسینقلی خان نظام‌السلطنه از بوشهر به بنادر دیگر خلیج فارس در سال

۱۳۰۹ قمری (سدیدالسلطنه مینابی، محمد علی خان، سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح احمد اقتداری، تهران، ۱۳۶۲: ۱۷).

خود محمد علی خان سدیدالسلطنه به مقتضای توطن دراز مدتی که در بندرعباس و میناب داشته و مناسبت آنکه مادرش دختر شیخ محمد مینابی بوده، به بندر عباسی مشهور گشته است. او در میناب بندرعباس دارای علاقه ملکی و باغ و خانه و مزرعه بوده و خانه‌ای هم در بندرعباس داشته است که بقایای خانه بندرعباس و املاک و باغ‌ها و مزارع و خانه مسکونی او در میناب باقی است. (یادنامه شادروان سپهبد فرج آق اولی، ۲۵۳۶، ۱۷-۲۰)

محمد علی خان سدیدالسلطنه همه عمر را به کار نویسندگی و تحقیق و تتبع گذرانیده و هر زمان که فرصتی و فراغتی می‌یافته، حاصل مطالعات خود را می‌نوشته است و از او کتاب‌ها و رساله‌های دست‌نویس متعددی باقی مانده است. او عادت بر این داشته که منشی یا منشیانی را اجیر می‌کرده و با خود در سفر و حضر همراه می‌داشته و هر زمان مطلبی را انشاء می‌نموده، منشی همراهش می‌نوشته و در بعضی آثارش نام کاتب منشی در آخر کتاب ذکر شده است؛ مانند محمود لاری، یوسف رفسنجانی و غلامرضا لاری. در اواخر عمر به اشتغال امری می‌نشسته و منشیانی که از دو سه تن بیشتر بوده‌اند، در اطراف او می‌نشسته‌اند و در هر فرصت که از آن اشتغالات فراغت می‌جسته به انشاء مطالب علمی می‌پرداخته و منشیان می‌نوشته‌اند و نزدیکان آن مرحوم که درک زمانش کرده‌اند، بر من حکایت کرده‌اند که مطالب مختلفی را به چند منشی انشاء و القاء می‌نموده و هر یک از آنها کار خود را دنبال می‌کرده و او به نوبت دنباله سخن را از همان جا که با همان منشی کاتب پایان داده بود، آغاز می‌کرده است و معمولاً اشتباه و تکرار هم نداشته است. (مرسلوند، ۱۳۷۴، ص ۳۹)

سدیدالسلطنه بلند طبع و لطیف و خوش سخن بوده است. گاه شعر می‌گفته و سفره‌اش بر دوستان و مهمانان گسترده بود و با وجود تعین و تملک و ثروت فراوانی که که از پدر به ارث برده، خود در نهایت سادگی و در خدمت به مرز و بوم کوشا و گشاده دست و زحمتکش و مدافع ملیت ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان بوده است و از طبقات ضعیف و ستم‌دیده و زحمت‌کش حمایت جدی می‌نموده است. بیشتر یادداشت‌ها و نوشته‌های او حکایت از سوز و گداز وطن پرستی او برای ایرانی ماندن خلیج فارس و نواحی آن می‌کند، به فرهنگ و تاریخ تمدن گهنسال نیاکان و پدران و قومیت ایرانی خود افتخار می‌کرده و همواره طرفدار و نگاهبان مدنیت و فرهنگ ایرانی در تمامی آن نواحی بوده است. او در آخر عمر مالی نیندوخته و بر بقایای موروثی پدری می‌زیسته است و چون بازنشسته دولت بوده، با مختصر مؤونه بازنشستگی در بندرعباس زندگی می‌کرده است. گفته‌اند در آخر عمر سخت به الکل روی آورده است و قوت لایموت او در مدتی که بیدار بود و کار می‌کرده، چند دانه انار یا رطب خرما بوده که با جرعه‌های پیایی، ماکول و مشروب روز مره و عادی او بوده است. سدید با غالب رجال دولتی و علمی تهران آشنا بوده و چنان که از نوشته‌های او بر می‌آید، بسیاری از کسانی که اواخر عمر دوران قاجار و به روزگار پهلوی صاحب عنوان و شهرتی سیاسی یا علمی و یا اجتماعی بوده‌اند با او ارتباط دوستی داشته‌اند و هرگاه او به تهران می‌آمده،

مؤانس و معاصر آنان بوده و در مجالس و محافل ادباء تهران راه داشته است. (یادنامه شادروان سپهبد فرج الله آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۱۸-۲۰)

از نوشته‌های خودش بر می‌آید که با فرصت‌الدوله شیرازی و شوریده شیرازی، دوست و انیس و رفیق گرمابه و گلستان بوده است. جلد دوم *مفاتیح‌الادب فی تواریخ العرب* را با مقدمه مرحوم میرزا محمد حسین خان ذکاءالملک فروغی چاپ سنگی کرده و مورد تشویق او قرار گرفته، ظهیرالدله را دیده و با او رفت و آمد داشته، اکابر صدر دیانت بابی و بهایی را می‌شناخته، و از آن‌ها و اشعار و احوالشان یاد کرده است. فضلاء زمان و اهل قلم را به خوبی و دقت و سواس عالمانه می‌شناخته با مرحوم سید حسن تقی زاده رجل علمی سیاسی نیم قرن اخیر ایران به خوبی آشنایی داشته و حتی یک دوره از کتاب *اعلام الناس فی احوال بندرعباس (بندرعباس و خلیج فارس)* را برای او به تهران فرستاده است و عقیده نگارنده این است که مرحوم تقی زاده این دو مجلد را به کتابخانه ملی اهدا کرده است. امین‌السلطان، امین‌الدوله، مرحوم صفی علیشاه، عین‌الدوله، نظام‌السلطنه، حشمت‌الدوله و غالب شعراء و رجال قاجار را ملاقات کرده است. سدید با رجال سیاسی دوره پهلوی مانند مرحوم علی اکبر داور، تیمورتاش و امثال آن‌ها آشنا بوده و آن‌ها نیز از وسعت اطلاعات علمی و سیاسی او در مسائل مختلف و متنوع خلیج فارس و دریای عمان آگاه بوده‌اند. سدید از مخالفان قوی دست و آشتی ناپذیر سیاست استعماری انگلستان در خلیج فارس و دریای عمان بوده است و محصول این مبارزه که از راه قلم آغاز شده و با شکسته شدن قلم او پایان پذیرفته است، کتاب‌ها و رساله‌ها و یادداشت‌های او است. (مرسلوند، ۱۳۷۴، ص ۳۹ و ۴۰)

اما برخی از نویسندگان نیز نظر مساعدی به سدید ندارند و این موضوع را می‌شود در یادداشت‌های ملک‌المورخین جستجو کرد. او عنوان می‌کند: «سدیدالسلطنه و اجدادش در بنادر فارس از طرف ایران مأموریت داشته و خود سدیدالسلطنه هم رئیس تذکره بنادر فارس بود. در این سنوات از نوکری ایران دست کشید و نوکر روس‌ها شد و او را منصب آگنی (عامل، گماشته، مأمور به زبان روسی) در بندر لنجه و بندرعباس مأموریت دادند. (سپهر، ۱۳۶۸، ص ۱۰)

آثار سدید: در میان آثار مختلف سدید که به صورت کتاب، یادداشت، رساله، تحقیق، سفرنامه و اوراق مسوده و دست‌نویس جنگ شعر و رونویسی از کتاب و مجلات باقی مانده است، کتاب‌های *صید مروارید* و *اعلام الناس فی احوال بندرعباس* و *رسالات اوزان* چو و صد و بیست و پنج اصطلاح کشتی، چاپ و منتشر شده است.

۱. *صید مروارید:* نام اصلی کتاب *المناس فی احوال الغوص و الغواص* است که با نام *صید مروارید* در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی یعنی در زمان حیات مؤلف چاپ شده است.

۲. *اعلام الناس فی احوال بندرعباس:* به نام *بندرعباس و خلیج فارس* با تصحیح احمد اقتداری و کوشش مرحوم علی ستایش به سال ۱۳۴۲ هجری شمسی به سرمایه کتابخانه ابن سینا در تهران چاپ شده است. (آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۲۱)

۳. *رساله اوزان چو:* رساله‌ای است در خصوص خرید و فروش مروارید. (آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۲۳)

۴. رساله اصطلاحات کشتی، یا رساله ۱۲۵ اصطلاح کشتی، رساله‌ای که اصطلاحات کشتیرانی خلیج فارس را در بردارد. (آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۲۴)

۵. مفاتیح الادب فی تواریخ العرب: با آنکه از ظاهر نام کتاب گفتگویی درباره تاریخ عرب به ذهن می‌رسد، در مجموع می‌توان گفت این کتاب ذیلی است بر تواریخ قدیمه ملل و اقوام ایرانی در سواحل جنوب خلیج فارس که عرب نشین شده‌اند.

۶. برهان سدید: مفتاح اول یا کتاب اول از مفاتیح الادب که به روزگار مظفرالدین شاه و به خواهش حسنقلی خان نظام‌السلطنه و در صدارت میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان صدر اعظم و در ماه رجب سال ۱۳۱۴ هجری قمری نگارش یافته است و به مفتاح اول در تاریخ مملکت عمان نام گذاری شده است. (آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۲۸)

۷. مغاص اللثالی و منار اللیالی

۸. التذقیق فی سیر الطریق: که شرح مسافرت مؤلف از بندر بوشهر به داخله ممالک محروسه ایران و عراق عرب در سنه ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۶ هجری است و سدید در این کتاب مسافرت خود را از بوشهر به روز سه شنبه غره ربیع الاول مطابق بیستم اسد و یازدهم اگست ماه فرنگی سال یک‌هزار و سیصد و چهارده مطابق سال هزار و هشتصد و نود و شش عیسوی آغاز می‌کند.

۹. مشوش نامه: این کتاب جنگ یا مجموعه شعری است که سدیدالسلطنه فراهم آورده و از شاعران و سرایندگان که غالباً معاصر او بوده‌اند، نقل کرده است.

۱۰. کتاب مجموعه الظریف: مؤلف این کتاب را با یک مقدمه مفصل عربی آغاز نموده و اولین ظریفه، قصیده‌ای از فرصت شیرازی است که در مدیحه رکن التجار ذکر کرده است. (آق اولی، ۲۵۳۶، ص ۳۶)

۱۱. کتاب مجموعه النوادر: این کتاب با اشعار ملاحسن کبکانی متخلص به محمود و مراسلات او آغاز شده و تعداد قطعات منثور و منظوم و مرایی و مناجات و ادعیه و اخبار و غیره در آن به خط خوش نوشته شده است. (شاید خط یوسف رفسنجانی باشد) تاریخ پایان کتاب شهر رجب ۱۳۱۴ است.

۱۲. راپرت‌های نظامی: اوراقی چند به عنوان راپرت نظامی انگلیسی‌ها در خلیج فارس است و یکی از آن‌ها راپرت نظامی قشون انگلیسی از بندر خرمشهر (محمره) است.

۱۳. راپرت‌های گمرکی: کتابچه‌هایی از راپرت‌های گمرکی بنادر و گمرک‌خانه‌های جنوب ایران به وسیله سدید تهیه شده و غالباً به صورت سؤال و جواب با مأمورین گمرک و کدخدایان و صاحبان قایق‌های تجارتی و کسبه و خدمه آن‌ها است.

۱۴. ثبت نامه وقایع ایام «روزبروز»

۱۵. رونویس کتب خطی و یادداشتهای دیگران و نقشه‌ها و اخبار مقالات و وقف‌نامه‌ها: سدید هر کجا مطلبی می‌یافته که به ذهنش بدیع می‌آمده یا برای مطالعات خود مفید می‌دانسته است، استنساخ می‌نموده و با ذکر مأخذ در جزوه‌ای یادداشت می‌کرده است.

۱۶. قراردادهای سیاسی و کشتیرانی: سدید از بسیاری از مقاولنامه‌ها و قراردادهای بین دولت ایران و

دولت‌های همسایه یا دولت انگلستان با شیوخ امارات خلیج فارس صورت‌برداری و رونویسی کرده و آن‌ها را در جزوه‌ها و کتابچه‌هایی ثبت و ضبط کرده است؛ مانند قرارداد کمپانی تلگراف هند و اروپا به دولت ایران.

۱۷. جزوه نفت اهالی جرون و بندرعباس

۱۸. رساله در احوال طایفه قشقایی

۱۹. رساله احوال لنگه: که یک تحریر آن ضمیمه رساله‌ای است که از اجزاء مفتاح اول و مفتاح الادب است.

رکن‌زاده آدمیت در مورد سدیدالسلطنه می‌نویسد: مرحوم محمد علی بندرعباسی ملقب به سدیدالسلطنه و متخلص به عاری، فرزند مرحوم حاج احمد خان میرپنجه از نویسندگان و شعراء و مورخین معاصر و از دوستان صمیم پدرم میرزا عبدالله رکن‌التجار بود و با مؤلف نیز به حکم «الحب و البغض یتوارثان» مادام الحیات سر لطف محبت را داشت، چنان که خود در رساله ضمیمه اللطیفه - که در سال ۱۳۱۵ در تهران چاپ شده است - می‌نویسد:

«در روز بیست و سیم رجب سال هزار و دویست و هشتاد و نه در بغداد متولد شده و نام و سال تولد محمد علی میرزا قاجار (شاه مخلوع) مطابق و قرن بوده است. پدرش احمدخان میر پنجه (سالف ترجمه) در دربار ناصرالدین شاه قاجار مقام و منزلتی یافته در بغداد می‌زیسته و حسب الامر ناصرالدین شاه به بوشهر رفته و در آنجا رحل اقامت افکنده است و عاری در خدمت پدر به بوشهر رفته و در مکتب مقدمات را تحصیل کرده است.» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۹، ص ۵۵۵-۵۵۷) خودش می‌نویسد: پس از پنج ماه از قرائت قرآن مجید و فرقان حمید فراغت یافتم و به دنبال تحصیل خط موروثی و سواد فارسی شتافتم و در اندک زمانی سواد فارسی تکمیل نموده، ولی در خط و استکتاب حظ و نصیب نایبگی و ما یشاء نبردم. فنون ادبیه نزد جناب حقایق ماب استاد الاساتید میرزا حسین معتقد آموختم، علوم عربیه و مقدمات فقه و اصول از جناب شریعت‌مآب قطب‌العلاء حاجی شیخ محمد امام جمعه و جناب حاجی سید جواد اندوختم. در سال ۱۳۰۳ دانشور فرزانه و هنرمند یگانه (مقصودش سید جمال‌الدین اسدآبادی است) مهمان بوده، صحبت آن ثقه خبیر را غنیمت دانستم، مقدمات ژغرافیا و اصول فیزیک را از او یاد گرفتم. در سال بعد پروتستان‌ها مدرسه‌ای در بوشهر ایجاد نموده، شش ماه در آن مدرسه به تحصیل زبان انگلیسی پرداختم. عاقبت علماء اعلام، افتتاح این مدرسه را وسوسه اسلام دانسته، احکام شرع مطاع آنان به توقیف آن صادر شد. چون والده ماجدم از جانب سنی‌الجوانب ملوکانه مأمور بندرلنجه (لنگه) که فارسیان به کاف فارسیان می‌نویسند شده، نگارنده جزو ملتزمین رکاب بوده، به تأییدات و تسدیدات الهی و مساعدت بخت پیروز و بلند ظل الهی شیخ آنجا را استمالت داده، به نیل مقصود مراجعت نموده، در معاودت از آن سفر خدمات نگارنده به عرض ملوکانه رسیده، به امتیاز سرهنگی نائل آمدم. در سال ۱۳۰۶ به سیر و سیاحت بنادر و جزایر خلیج فارس و امصار و مدائن مملکت عمان چون از وضع آن بلاد استحضار کامل یافتم، مراجعت نمودم.

به تشویق جناب جلالت‌مآب، نظام‌السلطنه حسینقلی خان - دام اقباله‌العالی - به تصنیف کتاب مفتاح الادب فی تواریخ العرب اشتغال جسته، در سال ۱۳۱۳ چون واقعه جان‌کاه شهادت ذوالقرنین اعظم شاهنشاه

میرور (ناصرالدین شاه) پیش آمد، مأمور تأمین بندرعباس و محافظت ثغور و سئور آن حدود شدم. از عهده آن خدمت چنانچه شایسته و سزاوار بود، بیرون آمدم. در سال نگارش، یعنی ۱۳۱۴، احضار به دربار معدلت مدار ملوکانه شدم. کتاب *التدقیق فی سیر سیر الطریق* را در آن سفر نوشتم. سال‌های دراز در بوشهر و بندرعباس مصدر کارهای دولتی بود و در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ شمسی که آقای سردار انتصار، حکمران بنادر جنوب بود، وی نایب‌السلطنه بوشهر بود و نگارنده در مسافرت به تهران او را در آن بندر ملاقات کرد و چندی با او مانوس بود. قامتی کوتاه و چهره‌ای سیاه داشت، اما جوانمردی مشفق و جهان‌دیده‌ای مهربان و سخی می‌نمود.

در سال ۱۳۰۸ معلوم نیست به کدام گناه مبعوض مرحوم عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار ایران شد و او را به وسیله طیاره به تهران بردند و به زندانش افکندند، و هفتاد روز در حبس تاریک با بدترین وضع به سر می‌برد، تا اینکه به وساطت مرحوم حاج آقا معین‌التجار بوشهری و مساعدت سرتیپ محمد درگاهی، رئیس کل شهربانی، از زندان رهایی یافت. او چندی در تهران مهمان معین‌التجار بود و آخر الامر به بوشهر و از آنجا به بندرعباس رفت و شنیدم که کتابخانه خود را - که شامل چند هزار جلد کتاب بود - وقف مدارس بندرعباس کرد و سالی چند در آن بندر به سر می‌برد تا اینکه به وساطت مرحوم حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری و مساعدت سرتیپ محمد درگاهی رئیس کل شهربانی از زندان رهایی یافت و چندی در تهران مهمان مرحوم معین‌التجار بود و آخر الامر به بوشهر و از آنجا به بندرعباس حرکت کرد و سالی چند در بندرعباس به سر برد و تا به سال هزار و سیصد بیست شمسی که رخت به سرای دیگر کشید. عاری در نویسندگی صاحب استعداد و پشت کار شگفت‌انگیز بود. علاوه بر کتاب‌هایی که تألیف کرده، مدت چهل سال نیز جزئیات وقایع اتفاقیه در بنادر جنوب ایران را یادداشت می‌کرده است. (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۹، ص ۵۵۵-۵۵۷)

محمد علی سدیدالسلطنه، در شعر و شاعری هم دستی داشته است. در ادامه تعدادی از اشعار وی به عنوان نمونه آورده می‌شود.

اگر بویی ز زلفت آورد باد	کند از محنت دورانم آزاد
به یاد قامت هرگز ز خاکم	نیینی رسته غیر از سرو و شمشاد
اگر حسن تو را فرهاد دیدی	شدی شیرینی شیرینش از یاد
ندیدم غیر محنت من ز ایام	تو گویی خاص محنت مادرم زاد
ملک از من کشد هرگز مکافات	از آن شب‌ها که بودم در برت شاد
کجا یاران کنندم یاد، عاری	کجا شیرین نماید یاد فرهاد

(زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ص ۴۰)

پدر سدیدالسلطنه مرحوم حاج احمد خان کبابی بندرعباسی کارگزار دولت ایران در بنادر و جزایر خلیج فارس و رابط بین دولت ایران و حکام و شیوخ سواحل خلیج فارس و دریای عمان و سلاطین مسقط و

عمان و زنگبار بوده است. (اقتداری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۳)

منابع:

- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمد علی خان، *یادداشت‌های سدید، گردآوری، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۱.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمد علی خان، *صید مروارید: المناس و فی احوال غوص و الغواص*، مصحح احمد اقتداری، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۱.
- سدیدالسلطنه، محمد علی خان، *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران*، تصحیح و تحشیه و پیوست‌ها از احمد اقتداری، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمد علی خان، *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*، استخراج و تنظیم و تحشیه و تعلیقات، احمد اقتداری.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمد علی خان، *مجموعه الظرایف*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره کتاب ۹۴۴۴.
- سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمد علی خان، *مجموعه النوادر*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره کتاب ۹۳۷۴.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمد علی خان، *بندرعباس و خلیج فارس*، تصحیح احمد اقتداری، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲.
- اقتداری، احمد، *آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
- افشار، ایرج، *معرفی کتاب‌های تازه*، مجله آینده، شماره ۱-۳، ۱۳۷۲.
- سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمد علی خان، *سفرنامه سدیدالسلطنه*، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران، بهنشر، ۱۳۶۲.
- رکن‌زاده آدمیت، محمد حسین، *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، تهران، اسلامیه، ج ۳، ۱۳۳۹.
- افشار، ایرج، «تحقیقات ایرانی (۲)»، مجله گوهر، شماره ۳، سال ششم، ۱۳۵۷.
- سپهر عبدالحسین خان، *مرآت‌الوقایع مظفری*، تصحیح دکتر نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۸.
- معاصر، حسن، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران*، تهران، ابن سینا، چاپ دوم، ۱۳۵۳.
- شیخ آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، تصحیح شریعتی، قم، اسماعیلیون، ج ۲۴.
- ساسانی، خان ملک، *سیاست ایران در دوره قاجار*، تهران، بابک-هدایت.
- چرچیل، جورج. پ، *فرهنگ رجال قاجار*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.
- سپهر، عبدالحسین خان، *یادداشت‌های ملک‌المورخین*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، زرین،

۱۳۶۸.

- جمالی، عبدالمحمد، در سایه روشن تاریخ، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۱۹۱، ۱۳۷۲.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران، زوار، ۱۳۷۱.
- یادنامه شادروان سپهبد فرج الله آق اولی، تهران، انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶.
- هدایت، محمود، گلزار جاویدان، ۱۳۵۴.
- مرسلوند، حسن، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام، ۱۳۷۴.
- قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمدشاه و ناصر الدین شاه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

سند شماره ۱

۶ رمضان ۱۳۱۸

نمره

از بوشهر

در باب مقرری لنگه تحریراً و تلگرافاً جسارت نموده است. هنوز جوابی مرحمت نشده است. مقصود از تجدید جسارت امروز هر یک از بنادر را مأمور کافی و کاردان دولت‌خواهی لازم است هر روز از نقدیات مأمورین و وکلای خارجه تشکی می‌رسد، خصوصاً از وکیل موقوفات فرانسه لنگه هر گاه در آنجا مأموری از طرف کارگزاری تولید بسا زحمات خواهد شد اگر تا حال در آنجا مأمور مخصوصی نبود، وکلای خارجه هم بودند. حالا وضع و موقع اقتضای دیگری دارد. هر گاه عرایض چاکر در هر موقعی بنظر دولتخواهی مشهود است و تعیین مأمور مخصوصی را از طرف کارگزاری تصویب می‌فرمایند مستدعی مقرر شود، احوال مقرری لنگه را زودتر صادر فرمایند که نائب لایقی تعیین و فرستاده شود.

امر حضرت مستطاب اجل روحی فداه مطاع

چاکر خانه زاد، علی

حاشیه راست سند:

جناب اشرف اتابک اعظم امر شما مطاع است اقدام نمائید ولی تا ممکن است مأموری که هر جا می‌فرستد صاحب موجب باشد که پر درد سر و زحمت نباشد.

امضا: ناخوانا

۰۴-۲۴-۱۲-۱۳۱۸ ق

سند شماره ۲

۲۲ شعبان ۱۳۱۸

نمره ۱۵ از بوشهر

در باب مقرری کارگزاری لنگه صدور حواله آن تلگرافا از مراحم حضرت مستطاب اشرف خدایگانی -
روحی فدا - استدعا شد تا به حال جوابی مرحمت نفرمودند، چون تعیین نایب کارگزاری در آنجا خیلی لزوم
دارد. مستدعی مقرر فرمایند، زودتر حواله مقرری شرف حضور یابد که هم مأمور کافی و لایقی تعیین و هم
مدد خرجی برای کارگزاری بوشهر باشد. به حضور مبارک جسارت نمود که مقرری کارگزاری هرگز کفایت
نمی‌کند و برای نیابت لنگه هم جناب سدیدالسلطنه را که جوانی است معقول و صحیح العمل مطمح منظور
نموده، همان قدری که حواله مقرری صادر شود، مشارالیه را با دستورالعمل کافی به آنجا خواهد فرستاده.
امر حضرت مستطاب اعلی اشرف خدایگانی روحی فداه مطاع

چاکر خانه زاد، علی

۰۴۳-۲۴-۱۲-۱۳۱۸ق

سند شماره ۳

دست‌خط مبارک تلگرافی در باب خبری که از طرف سفارتخانه دولت انگلیس به وزارت امور خارجه
رسیده بود، در خصوص رفتن سدیدالسلطنه با ویس قنصل انگلیس در انبار و صندوقهایی خالی جای تفنگ
و فشنگ در آنجا بدون فدوی درصدد تحقیق برآمده به خود سدیدالسلطنه هم نوشتم جوابی که به فدوی
نوشته آن است که شنیده شد در انبار محمد مجید شریک حاجی علی پسر حاجی حسین لاری اسلحه
هست. بعد از رفتن و ملاحظه نمودن به جز صندوقهایی خالی و چند کیسه ساچمه چیزی نبود. مع ذلک
آنها را نگاه داشته، جناب مستطاب شریعت‌مآب آقای آقا سید محسن مجتهد حکومت را مجبور نمود آنها را
رها کردند. از قرار معلوم اسلحه آن صندوق‌ها را حمل به لار جهت اولاد مرحوم فتحعلی خان گراشی لاری
نمودند. حاجی علی و شریک او محمد مجید فعلا در لار هستند. حکم به فرمانفرمای فارس بود. آن‌ها حکما
از جناب قوام الملک بخواهند. مأمور اسلحه عباسی هم فدوی تغییر دادم. مأموری به قاعده جهت آنجا معین
شده است. امیدوارم به کلی آوردن اسلحه در آن صفحات متروک شود. زیاده جسارت است.

فی ۱۴ شهر ربیعالثانی ۱۳۱۸

۰۸۵-۴-۱۳-۱۳۱۸ق

سند شماره ۴

نشان تاج و شیر و خورشید

از بوشهر به اداره تلگراف دولت علیه ایران

نمره: بقیه عدد کلمات: ۳۰۷ اطلاعات: صفحه ۲

درست می‌دانیم، اما چون در این ماده تهمت و بدنامی در میان است، فدویان آنچه از احکام استجابت
که در دست داریم، باید ابراز نمائیم و آن وقت مسئولیت از فدویان برخواسته، شاید از راه دیگر خسارت به
دولت وارد آید. بنابراین کمال امیدواری تکرار و استدعا می‌شود که از راه انصاف و اعتبار احکام که در دست

داریم حکم شرف صدور یابد که مهر نبود محل... شود. مستدعی چنانم که این عرضه داشت را به حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس اکرم اسعد اتابک اعظم - روحنا فداه - برسانید که از درستکاری فدویان مطلع باشید. فدویان دولت خواه ارشم و تکران ملکم
امضا: ناخوانا

۱۸۱-۴-۱۳-۱۳۱۸ق

سند شماره ۵

نمره: ۱۵۸

۶ شهر رمضان ۱۳۱۸

تصدق حضور مبارکت شوم. روز شنبه ۲۹ شهر شعبان ارشم و تکران به توسط میرزا محمد حسین نام منشی خودش پیغام به جهت فدوی داده بود که فردا سلخ شعبان است، بیایید منزل ما اسلحه‌ئی هست، تحویل بگیرید. به رئیس گمرک هم اطلاع بدهید، بیاید. خود من هم به بالیوزگری و حکومت خبر می‌دهم که آنها هم حاضر باشند. فدوی جواب دادم خود شما به رئیس گمرک اطلاع بدهید. محض اینکه نگوید من نفرستادم و هر قدر از منشی مشارالیه جويا شدم چه معضلی است، همین قدر جواب داد، به میل خودش این کار را می‌خواهد بکند. به طهران هم به توسط تلگراف اطلاع داده است. روز سلخ، فدوی زودتر از دیگران رفته. جواب داد که خودم به میل خودم این کار را می‌کنم. بعد که نایب بالیوزگری و مأمور حکومت و رئیس گمرکخانه و منشی هم حضور به هم رسانیدند، به اتفاق تفنگ‌ها را شمرده و نمره آنها را برداشته، با فشنگ‌ها تحویل دادند و حمل به انبار گمرک نموده، همین روز هم تلگرافاً به حضور مبارک عرضه داشته و در این باب میان مردم انواع و اقسام گفتگو هست و تمام آن حرف‌ها بی‌مأخذ و پوچ است. چیزی که فدوی استنباط نموده، این است.

ارشم و تکران در زمان مأموریت مدحت‌الدوله قریب سه، چهار هزار قبضه تفنگ با چهارزاتی که به حواله خودشان می‌آمده است، وارد نموده بودند و مشارالیه دیده بودند و تعارف زیادی به او داده، چشم‌پوشی نموده بوده است و در این مدت مأموریت مشارالیه هر قدر توانسته بودند در خفیه چه فروخته بودند چه حمل به مسقط و... عمان و عربستان نموده تا اینکه باقی می‌ماند به همین اسلحه ضبط شده مأموریت از حاجی مدحت‌الدوله گرفته می‌شود اینها در زیر زمین و غیره پنهان می‌کنند و منتظر وقت و فرصت به احکام سابق گردیدند ظاهراً در خفیه با بالیوزگری صحبت داشته... به آنها ارائه نموده بودند، این اسلحه از بقیه... اسلحه‌هائی ست که اجازه... داشته‌ایم. باقی مانده و به غیر از اینها هم، باز داریم. گویا قرار داده بودند که خودشان... بکنند که اگر فردا... راه... ندارند، باید جریمه هم بدهند آنجا... که خودشان اظهار نمودند اصل مطلب همین است که... عرضه می‌دارد... اینکه در این چند روزه محرمانه چه از اجزا بالیوزگری و چه از اجزا خود... ملکم به طورهای محرمانه و غیره که تحقیق نموده است همین است. لاغیر این ست... به حضور مبارک جسارت نموده، بعد هم تحقیقات لازمه نموده به عرض می‌رساند. الاعلی الاشراف... مطاع

۱۸۲-۴-۱۳-۱۳۱۸ق

سند شماره ۶

از بوشهر به طهران اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره: ۴۸ عدد کلمات: ۲۰۶

باستان معدلت بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس وزیر اتابک اعظم - روحی فداه - با کمال بندگی عرضه می‌دارد که امروز مسیو سمیه موجب فرمایشات دارالخلافه چنین اظهار می‌نمود. احکام فدویان به جهت دخول اسلحه مشروط تقدم خروج اسلحه از گمرک است. فدویان عرض کردیم، بل تا مادامی که مال فدویان در گمرک‌خانه از آب دریا و باران و سرقت حیف و میل نمی‌شد، اسلحه نازل را خارج از گمرک نمی‌نمودیم و پس از آنکه چند فقره عیب و نقص به اموال فدویان که در گمرک بود، وارد آمده به اجازه حکومت مأموریت گمرک آنها را به انبار فدویان می‌آوردند و بعد متدرجاً حمل بنادر خارجه ایران می‌نمودیم و البته سرقت‌های اجزا و حمال‌باشی گمرک‌خانه سابقاً به عرض آستان مبارک رسیده است. سابقاً چنانچه سیاست هم شده‌اند حسب الامر مبارک. حال مستدعی از آستان معدلت بنیان چنانیم که راضی نشوید که اسلحه جاتی را سنوات قبل با حکم دولتی داخل نموده‌ایم. گمرک داده‌ایم و از جهت محافظت آنها با صوابدید حکومت از گمرک خارج کرده‌ایم، سبب بدنامی و خانه خرابی فدویان شود و هر قدر قدر مطاع شرف صدور یابد.

به تاریخ ۲۹ شهر شعبان سیچقان ٹیل سنه : ۱۳۱۸
۱۸۶-۴-۱۳-۱۳۱۸ق

سند شماره ۷

نمره ۹۲۲

۹ صفر ۱۳۱۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به سدیدالسلطنه در بوشهر
در خصوص مأموریت اینجناب به چابهار، پست قبال جناب جلالت‌مآب دریاییگی نوشتیم. رفتن مأمور انگلیس به آنجا موقوف شد و به این جهت رفتن مأمور دولت علیه در آنجا لازم نشد؛ البته جناب دریاییگی همین طور به شما اطلاع داده‌اند انشاءالله در موقع شما را فراموش نکرده و کار لایق و مناسبی به شما محول خواهیم کرد؛ آسوده باشید. (نصراالله مشیرالدوله)

۱۸-۴-۱۴-۱۳۱۸ق

سند شماره ۸

نمره ۲۴۷۸

۴ جمادی الاول ۱۳۱۹

سواد کاغذ وزارت خارجه به مأمور بصره

از حالات و خیالات آقا محمد نام ولد حاج احمد ساکن بندر عباس شرحی نوشته بودید. مطلع شدم. در صورتی که از طرف عثمانی‌ها مأموریت او به بندرعباس اعلان شود. در صورتی که مشارالیه از اهالی بندرعباس ابا عنجد رعیت دولت علیه ایران باشد، البته نباید او را به صفت تبعیت عثمانی شناخت. به مدحت الوزرا مأمور بندر عباس نوشتیم و از حالات آقا محمد ایضاحات خواستیم. به سدیدالسلطنه مأمور تذکره بنادر هم به علامت نوشتیم که چرا بی‌دقت و نفهمی در تذکره‌ها محمد را تبعه عثمانی نوشته و سپردم بعد از این بدون اطلاع کارگزاری این قبیل اشخاص را در تذکره ننویسند شما هم مراقبت نمائید که نظایر و امثال پیدا نکند.

امضا: ناخوانا

۱۳۱۹-۵-۲۶-۰۷۱ ق

سند شماره ۹

بندر بوشهر

مقرب الخاقان مسیو سمیه رئیس گمرک کل بنادر فارس زید ...

از طرف وزارت امور خارجه و سفارت فخریه انگلیس در خصوص اظهار تشکی دوستی که در گمرک اتاق افتاده، به سدیدالسلطنه مأمور وزارت امور خارجه تلگراف شده که در این خصوص اقدامات لازمه عمل آورند. شما هم به همراهی اینها اقدامات نموده و نتیجه عمل را بفرستید.

مسیو نوز

۱۳۱۹-۱۳-۱-۱۰ ق

سند شماره ۱۰

نشان تاج و شیر و خورشید

بوشهر به طهران اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره: ۳۶ عدد کلمات: ۳۷۰ روز: ۱۱

به توسط جناب نورچشمی مخبرالسلطنه حفظه اله حضور مبارک حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم مشیرالدوله وزیر امور خارجه - دامت شوکته - مکرر عرض کردم جناب محتشم الوزرا و سدیدالسلطنه به تحریک در بیابگی چند نفر از الواط را دور خود جمع کرده، بنای فساد دارند. سه روز قبل یک نفر مقصر از دست آدم‌های فدوی فراش‌های کارگزاری گرفته بودند. دیدم عقب کردن اسباب تصدیق حضرت عالی

است، به مسامحه گذرانیدم. دیروز آدمش با یک نفر توپچی در شهر نزاع کرده بود؛ طرفین را کلاتر آورد ... به چهار برج که رسیدگی شود، فوراً جمعی را با اسلحه فرستاد کلاتر را ببرند، تنبیه کنند. کلاتر هم خودش با دو نفر بود؛ تا درب خانه کارگزاری می‌برند، اجزای کلاتر می‌رسند و از دست آدم‌های او چند تیر از دور خالی می‌کنند. اگرچه به کسی نخورده است، ولی ملاحظه فرمائید تا چه درجه جسارت دارند که خلاف باین بزرگی در چنین سرحدی در انظار خارجه و داخله می‌کنند. آن وقت درب خانه مردم می‌فرستند. پیغام می‌کند که کلاتر آمده است در خانه من هرزگی کرده، بیائید به من معاونت نمائید و از طرف دیگر پنجاه نفر از الواط را اسلحه می‌دهند و در کوچه‌ها می‌گردند که هر جا آدم‌های حکومت و کلاتر را تنها دیدند، بزنند بگیرند ... به حق خدا این آدم قصدش آشوب است هزار مرتبه به او پیغام کردم که دست بردار. ۱۹-۱-۱۳-۱۳۱۹ق

سند شماره ۱۱

نشان تاج و شیر و خورشید

بوشهر به طهران اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره: ۳۶ اطلاعات: ص ۲

چنین سرحدی آبروی مأمورین دولت را بر باد مده، اغراض شخصی را داخل خدمات دولت و مصالح مملکت نکن، ابدأ اثر نکرده و نخواهد کرد. اگر بنده هم بخواهم اقدامی بکنم، با اینکه خودم و او را در اداره حضرت عالی میدانم، منافات دارد. توصیه حضرت عالی هم به این آدم اثر نمی‌کند، والا فدوی از همه چیز آنها اغماض کرده‌ام. کاری که امسال سدیدالسلطنه به تعلیم او با حجاج و زوار کرده و پولی که گرفته‌اند، اگر عرض کنم حیرت می‌فرمائید. در مدتی که زوار عتبات قدغن بود، متجاوز از هزار نفر هر یکی از پنج الی ده و دوازده تومان گرفت. بعضی را تذکره یک‌قرانی بعضی را نوشته مرخصی بدون تذکره دادند و فرستادند شاید به پول و مداخل مشغول شوند و از فساد دست بردارند، متعرض نشدم و حالا همان پول‌ها را به الواط می‌دهند و در نقطه سرحد مفسده می‌نمایند.

رضا قلی

مهر: ناخوانا

۲۰-۱-۱۳-۱۳۱۹ق

سند شماره ۱۲

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزاری بنادر

سلخ شهر رمضان ۱۳۱۹

جناب فخامت نصاب سدیدالسلطنه که مدتی است امور کارگزاری آنجا به عهده اوست، همه وقت کمال مواظبت و مراقبت را در حفظ حقوق اتباع دولت علیه و نظم امور کارگزاری داشته و غالباً از راپورت‌ها و

اطلاعات مفیده آن صفحات و وزارت امور خارجه را قرین اطلاع و بصیرت داشته است در توجه مشارالیه می نویسیم که البته از مشارالیه کمال همراهی و مساعدت را خواهند داشت که در معیت آن جناب مشغول کار و انجام خدمات کارگزاری باشد.

نصرالله مشیرالدوله

۱۳۱۹-۱۳-۱-۴۵ ق

سند شماره ۱۳

نشان تاج و شیر و خورشید

۱۴ شهر شوال اکبر ۱۳۱۹

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزاری بنادر فارس

جناب فخامت نصاب سدیدالسلطنه مدتها در غیاب آنجناب کارگزاری را خوب اداره کرده و در انجام خدمات محوله و حفظ حقوق دولت و ولینعمت خود با اختیار بوده و با هر پست راپورت های مفیده می فرستاد کمال رضایت را از او دارم. چون آدم با اطلاع و قابل است. البته هر کاری را که صلاح می دانید بمشارالیه رجوع نموده و از لازمه مساعدت و همراهی بهیچ وجه فروگذاری ننمائید که به دلگرمی مشغول خدمت باشد.

نصرالله مشیرالدوله

۱۳۱۹-۱۳-۱-۵۳ ق

سند شماره ۱۴

نمره ۴۴۷

۱۴ شهر شوال ۱۳۱۹

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگزاری بنادر

جناب سدیدالسلطنه راپورتی در تحت نمره ۴۹۰ در خصوص امتعه خارجه که به داخله ایران حمل می شود و معمول بوده است در دفتر کارگزاری ثبت شود، به وزارت خارجه داده و سواد دو طغرا مراسله سوالیه جوابیه با بالیوزگری را هم فرستاده است. البته ثبت آن ها در دفتر کارگزاری است. ملاحظه نموده، اطلاعات خودتان را بنویسید. اگر اقدامی لازم است، به عمل بیاورید.

۱۳۱۹-۱۳-۱-۸۸ ق

سند شماره ۱۵

نمره ۱۲۶۰

سواد رقعہ وزارت امور خارجه به دریا بیگی حکمران بنادر فارس

مورخه ۲۵ شهر صفر ۱۳۱۸

چون به جناب فخامت نصاب سدیدالسلطنه، مدیر امنای تذکره بنادر فارس، به وزارت امور خارجه راپورت داده که در بندر جاسک و قشم امین تذکره لازم است مأمور شود، لهذا به جناب مشارالیه اجازه داده شد که با تصویب و صلاح دید جناب عالی که دو نفر مأمور لایق با دستور العملی به این دو نقطه بفرستد که عابری آنجا بدون تذکره عبور نمایند. بدیهی است که جناب عالی هم هرطور که صلاح بدانید از مراقبت لازم مضایقه نکرده، هر کس را که جناب سدیدالسلطنه مأمور این دو نقطه می کند، امین تذکره شناخته، قدغن خواهید نمود از او تقویت بکنند. نصرالله مشیرالدوله

۱۳۱-۷-۲۵-۱۳۱۸ق

سند شماره ۱۶

سواد کاغذ وزارت خارجه به مسیو آرنولد مفتش اداره پست

در جواب مراسله مورخه ۱۲ شهر شوال المکرم ۱۳۱۸ شما در باب امانتی که از بوشهر در شهر ربیع الثانی سدیدالسلطنه به عنوان بدیعه نگار منشی وزارت امور خارجه فرستاده است، زحمت می دهد. اینکه اظهار داشته اید پست مزبور در پنجم جمادی الاولی در نزدیکی ایزدخواست مسروق گردید و اداره پست در صدد گرفتن غرامت است و بعد از وصول غرامت این امانت هم داده می شود استحضار حاصل نموده؛ موافق قانون اداره پست باید در رأس شش ماه مهلت از عهده غرامت برآید، خواه غرامت اشیا مسروقه از محل وصول شده یا نشده باشد و اکنون شش ماه است از تاریخ قبض بیمه شده می گذرد؛ یا باید عین امانت مسترد شود و یا می توان غرامت آن به مشارالیه برسد. زیاده چه نگارد. نصرالله (مشیرالدوله)

۱۳۱-۲۳-۲۲-۱۳۱۸ق

سند شماره ۱۷

سواد حکم وزارت خارجه به مسیو آرنولد

در جواب رسیده مورخه ۱۲ شهر شوال المکرم شما در باب امانتی که از بوشهر در شهر ربیع الثانی سدیدالسلطنه به عنوان بدیعه نگار منشی وزارت امور خارجه فرستاده است، زحمت می دهد. اینکه اظهار داشته اید، پست مزبور در ۵ جمادی الاول نزدیکی ایزدخواست مسروق گردیده و اداره پست در صدد گرفتن غرامت است و بعد از وصول غرامت این امانت هم داده می شود ... حاصل نموده. موافق قانون اداره پست باید بعد از شش ماه مهلت از عهده غرامت برآید؛ خواه اشیا مسروقه از محل وصول شده باشد، یا نشده باشد.

۱۳۱-۲۴-۲۲-۱۳۱۸ق

سند شماره ۱۸

پنجم شهر ذی الحجه ۱۳۲۱

قربان حضور مبارکت گردم. امساله خصوصاً در این چند ماهه آخر که اداره تذکره بنادر به جناب

سدیدالسلطنه واگذار شده، به کلی انتظام اداره از میان رفته است، چون که جناب نصره السلطان خود ریاست تذکره را تا انقضا هذه السنه دارا هستند. البته تصدیق درست کاری مباشرین حالیه را خواهند نمود، بلکه دیگران هم محض گسیخته نشدن رشته تقلب نظر بجلب فواید شخصی خود چشم‌پوشی خواهند نمود. برای اثبات این نواقص اگر اداره رسیدگی صورت اسامی مسافرین و واردین بنادر از اول برج حمل تا آخر سال از تذکره مطالبه کرده و از طرف دیگر شماره مسافرین به خارج از کمپنی‌ها و کالای کشتی‌های تجارتی انگلیس و غیره که در بنادر هستند، بخواهند و تطبیق نموده تصدیق عرایض خانزاد را حضور مبارک عرض خواهند نمود و هم محقق خواهد شد که خانزاد خائن نبوده و خدمتگزار بوده و در آتیه هم امیدوار خدمت است. نه خیانت و ثبت وجوهاتی که که از هر کس به هر عنوان امساله گرفته شده نزد خانزاد موجود است. زیاده امر امر مطاع مبارک است. امین تذکره بوشهر

خانزاد حسین

۱۳۱۸-۲۵-۱۱-۴۳ ق

سند شماره ۱۹

نمره ۲۷۳

بوشهر

سواد تلگراف وزارت خارجه به حسام الوزرا

۱۶ شهر صفر المظفر ۱۳۱۹

ماهی پنجاه تومان حکم شده است از اداره گمرکات در آنجا به شما بدهند که آسوده خاطر مشغول انجام کارهای محوله به خودتان باشید. در کارها به همراهی جناب سدیدالسلطنه تحقیقات نمائید و هر چه در کارگزاری معلوم شد با رمز کارگزاری تلگراف نمائید و هر طور حکم صادر شد، معمول نمائید. کتاب رمز و مفتاح را واثق‌الملک از شیراز فرستاده است. البته مطالب لازمه فوری را رمزاً اطلاع بدهید.

نصراً... مشیرالدوله

۱۳۱۹-۱۳-۲-۲۹ ق

سند شماره ۲۰

مهر تاج و شیر و خورشید

اداره تذکره خلیج فارس

به تاریخ ... شهر ذی الحجه ۱۳۱۹

فدایت شوم. دست‌خط مبارک مرقومه ۱۳ ذیقعه زیارت شد. از مراجع بیکران حضرت اجل عالی کمال افتخار حاصل آمد. حالت فزونی را خواسته بودند. سلامت و به دعای وجود مبارک اشتغال دارم. مراد عباس خان سرهنگ در بوشهر است، در خدمت جناب اجل عالی سدیدالسلطنه است. چون پست عازم بود، مختصراً

عرض نمود خدمات را به دیده حاضرم امیدوارم هر هفته به دست خط مبارک و ارجاع خدماتی قرین افتخارم خواهند کرد. به واسطه التفات به میرزا عباس خان بی التفات شده است مستوجب است آقا سید محمد مجتهد لنگه دنیا را وداع نموده است.

امضا: محمد فدوی

۱۳۱۹-۱۳-۷-۲۶-۲۶ ق

سند شماره ۲۱

نمره ۲۳۰۰

سواد کاغذ وزارت خارجه به مسیو نوز مدیر کل گمرکات

۲۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

تلگرافی از سدیدالسلطنه کفیل کارگزاری بوشهر در باب مواجب اطبای قرانتینه بوشهر رسیده است که سواد آن را برای اطلاع آنجناب ارسال داشت. خواهشمندم جواب را زودتر بفرستید که به مشارالیه جواب نوشته شود. زیاده زحمت است. (نصرالله مشیرالدوله)

۱۳۱۹-۱۹-۲۸-۱۵ ق

سند شماره ۲۲

نمره ۲۰۸۵

سواد کاغذ وزارت خارجه به مسیو ...

... ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

در باب برات مقرری اطبا قرانتینه خلیج فارس، تلگرافی از سدیدالسلطنه نائب کارگزار بنادر رسیده است که در... صادره در اداره گمرکات مبلغ یازده هزار و دویست و پنجاه روپیه از بابت حقوق هذه السنه اودئیل آنها مسطور است. بعد از تحقیقات معلوم شد، دکتر بیل و غلام محمد هشت ماه از خلیج خارج شده اند که هزار و دویست و پنجاه روپیه مواجب آن دونفر موضوع می شود. همه سه هزار روپیه است که باید ماه به ماه از اداره گمرک استفسا شده، به قونسولگری انگلیس تادیه شود. ولیکن بالیوزگری مواجب سنه ماضیه اطبا را از اول ماه جنوئری تا ماه آخر ماه سپتمبر سنه هزار و نهصد مطالبه میکند و در این باب تکلیف خواسته است و معین است که حقوق اطبا مزبور به طوری که به خرج گمرک منظور و مقرر شده است هر قدر مدت مأموریت آنها می شود باید به آن ها پرداخت شود. مخصوصاً سواد تلگراف سدیدالسلطنه را هم لفاً فرستادم که در مفاد آن کاملاً اطلاع حاصل کرده، تکالیف لازمه اقدام و توضیحاتی تلگرافی برای رئیس گمرک آنجا بفرستید و در نتیجه دوستداری را هم منحصر دانید.

نصرالله مشیرالدوله

۱۳۱۹-۱۹-۲۸-۲۶ ق

سند شماره ۲۳

نمره ۱۵۵۵

سواد رقعہ وزارت خارجه به جناب علم الہدی

مورخہ ۱۲ شہر ربیع الثانی ۱۳۱۹

در باب حضرات بحرینیہا از تفضیلی کہ مرقوم داشته بودید، مطلع گردیدہ و از حسن نیت و فرط دولت خواہی جناب مستطاب عالی کمال رضامندی و انبساط حاصل شد. مکرر اینجانب سدیدالسلطنہ دستور عمل لازم در این خصوص دادہ شدہ است. اکنون ہم تعلیمات لازمہ دادہ شدہ، بدیہی است جناب مستطاب عالی ہمیشہ رعایت دولت خواہی و اصلاح مملکت را پیشنہاد و خاطر شریف خواهند داشت و با جناب سدیدالسلطنہ ہم لازمہ مہربانی را خواهید نمود کہ موجب مسرت باشد.

نصراللہ مشیرالدولہ

۵-۱۴-۲۴-۱۳۱۹ق

سند شماره ۲۴

بوشہر

شمارہ ۹

تصدقت شوم. این چند روزہ ورود در عمل تذکرہ تا یک اندازہ تحقیقات لازم کردم. رویہم رفتہ جناب سدیدالسلطنہ را اگر کسی راہ برد خالی از صداقت و کفایت نیست. در کار تذکرہہا خدمتی گویا نکرده. معلومات و اقدامات ایشان را با معلوماتی کہ بر اوضاع این حدود داشتہ موازنہ کردہ، بہ دقت سنجیدہ و راہ افراط تقریبات را سد کردہ و ضبط و رواجش را نظم و بسط دادہ و مختصراً عرض می کند کہ بہ خواست خدا میزان عمل کرد امسالہ خیلی بیشتر از سال گذشتہ بشود. از حال عرض میکند ہمین کہ انشاءاللہ تعالی ترقی و اضافہ عمل کرد مشہور و مطبوع خاطر مبارک شد، مستدعی است از همان محل یک مقدار مواجب و ربابی بہ فدوی کہ ہیچ ندارد، رحمت فرمودہ و بہ جناب سدیدالسلطنہ اضافہ مواجب مرحمت فرمائید. شرح ملاحظات کار تذکرہ را ہم انشاءاللہ تعالی بعد شروعاً معروض خواهد داشت.

جواب نوشتہ بودید چرا مراجعت و خدمت و درستی سدیدالسلطنہ بہ طوری کہ ہمیشہ این اطلاع حاصل کردم، آفرین می گویم. انشاءاللہ تعالی این خدمات او بی نتیجہ نخواہد ماند. شما ہم چنانچہ سواد این شرح ملاحظات لازم بشود، در کار تذکرہ آنجا اگر کمیٹی داشتہ باشد، بہ ادارہ کل تذکرہ اطلاع بدهید. اینکہ ہمیشہ این عمل تذکرہ بنادر بیش از ہمیشہ خواہد شد و انشاءاللہ تعالی از اضافہ عملی کہ حاصل شد، بہ شما و سدیدالسلطنہ مواجب دادہ شدہ، بہ ہیچ وجہ گرفتہ نخواہد شد. نتیجہ حسن خدمت و مراقبت ہم کاملاً خواهیم برد. بہ خواست خدا با کمال دلگرمی مشغول کار باشید. بہ جهت تقریر بہ سدیدالسلطنہ ہم دادہ شود.

۴-۱۴-۲۴-۱۳۱۹ق

سند شماره ۲۵

نشان تاج و شیر و خورشید

از بوشهر به طهران؛ اداره تلگرافی دولت علیه ایران.

نمره جواب دولتی است

توسط جناب مستطاب آقای یمن الممالک حضور مبارک حضرت مستطاب وزارت پناهی - روحی فداها - اجزا اداره تذکره خلیج فارس در بوشهر، حاج سید حسین حسام ... مدیر، آقا محمود تحویلدار، میرزا مراد منشی آقا غلامحسین نائب، غلامعلی و اسد فراش. در عباسی آقا محمدرضا مدیر، آقا حسین رئیس پستخانه تحویلدار و مفتش، حاجی بشیر منشی و دفتردار، فراش دو نفر، در قشم امین الوزراء، در چاه بهار آقا سید محمد، در میناب عبدالرسول خان مجاهدالسلطان مدیرند. در این سه نقطه تازه مأمور تعیین کرده ام. هنوز اداره جاری و اجزاء تعیین نشده.

خانزاد محمد علی

۱۳۱۹-۲۴-۱۴-۳۵ ق

سند شماره ۲۶

تصدق حضور مبارکت شوم. نبیره غلام چند هفته است عریضه تلگرافی در بیستم ماه ذیقعه در باب رجوع آنکه گمرک به حضور باهرالنور مبارک عرضه داشته است. تاکنون از طرف قرین الشرف مبارک به جوابی مفتخر نشده. در هفتم شهر ذیحجه الحرام جناب اجل آقای یمن الممالک - دام اجلاله - پانزده طغرا اعلان و چهار کتابچه و دستورالعمل تذکره با یک بسته تذکره مرور و امضاء از طرف جناب معزی الیه به فدوی رسیده، فوراً فرستاده اجزا تذکره خانه را حاضر نموده، اعلانها را نه عدد آن را دادم، ببرند در محل های لازمه بچسباندند. رقعتهی هم به جناب آقای دریاییگی نوشته بودند، بردم رسانیدم. خیلی هم اظهار خوشوقتی نموده. فرستادم نزد سدیدالسلطنه به جهت مهر تذکره و تذکره نزد ایشان باقی است. جواب داده بود تاریخ کاغذ شما هفدهم ذیقعه است و من چهارم ذیحجه از وزارت جلیله امور خارجه - روحی فداه - تلگراف دارم که حکم فرمودند محاسبه تذکره را من بعد به جناب مشاور السلطنه ندهم، به اداره مرکزی بفرستم، می رود منزل عبدالحمید خان و متوسل به ایشان می شود. تلگرافی از سیم انگلیسی کرده بودند. از آنجا مراجعت نموده، پیش از جناب حاجی واثق الملک رفته و امید دارد به توسط جناب مفتاح السلطنه تلگراف رمزی به حضور مبارک می نماید که فدوی خیال حرکت دارد. چه وقت فدوی استدعای حرکت نمود و چه قسم می تواند بدون اجازه حرکت نمائید، چرا باید اینقسم اشتباه کاریها را به حضور مبارک محض اغراض نفسانی و چهار شاهی رشوه و به هر ترتیب نمائید.

۱۳۱۹-۲۴-۱۴-۴۳ ق

سند شماره ۲۷

نشان تاج و شیر و خورشید
از بوشهر، اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره ندارد
روز ۱۰

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل افخم اعظم عالی آقای مشیرالدوله روحیفاده. دیروز نهم این ماه برای تحقیق و تسویه مسئله ورشکستگی اسحاق یهودی با حضور مأمورین دول و تجار و مدعیان و مدعی علیه در کارگذاری مجلسی انعقاد شده. پس از تحقیقات و مذاکره یهودی مزبور صاف و آشکارا در مجلس اعتراف به صحت حقیقت کمپانی‌های هاتس و برشتکلف و وکسن و سایرین کرده. ضمناً گفته است چیزی در بساط ندارد و اثبات نداری خود را هم از دفتر می‌نمایم. چون دفاتر در حکومت بود و در پنجم این ماه کتباً خواسته بودم، نداده بودند.

۲۱-۳۷-۲۶-۱۳۱۹ق

سند شماره ۲۸

نمره ۹۳۵
سواد کاغذ وزارت خارجه به آقا عبدالرحیم و آقا محمدابراهیم در بوشهر
۲۴ شهر شعبان ۱۳۲۰

کاغذ شما مورخ ۲۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۰ رسید و از شکایتی که از جناب محتشم الوزراء نموده بودند، استحضار حاصل گردید. چنان که تلگرافا در جواب تلگراف شما اظهار شد، محتشم الوزراء به کلی منکر است و می‌گوید شما به توسط سدیدالسلطنه پولی به او وعده کردید و قبول نکرده است و رقعہ هم از سدیدالسلطنه به همین مضامین نشان داد. با وجود این اگر سند یا دلیلی که بتواند ادعای شما را ثابت و مدلل کند، دارید ابراز نمائید تا تحقیقات و رسیدگی شده اگر حقی داشته باشید، داده شود. فقط منحصر ادعا و حرف و بدون هیچ سند و دلیل واضحی ممکن نمی‌شود، تحقیقات و رسیدگی به عمل آید. البته ادله خود را یا سندی اگر دارید، ابراز نمائید.
(نصراالله)

۱۴-۱۲۱-۱۴-۱۳۲۰ق

سند شماره ۲۹

نمره ۵۲۶
سواد کاغذ وزارت خارجه به سدیدالسلطنه بوشهر
۱۶ شهر جمادی الاول ۱۳۲۰

اینکه نوشته بودید چندی است چندان قونسولگری انگلیس جواب مراسلات شما را نمی‌دهد، مطلع شدم. به سفارت اظهار شد. مراسله در جواب مبنی بر شکایت از شما رسیده است که سواد آن را برای اطلاع لفاً ارسال داشت. در جواب این مراسله سواد مراسلاتی که شما در باب فرنیذیز و حاج سلیمان و آقا عبدالغنی به جنرال قونسولگری نوشته بودید، لفاً به سفارت فرستاده‌ام و ضمناً اظهار داشتیم که شما در مراسلات نسبت به جنرال بر خلاف اقدام چیزی ننوشته‌اید. هنوز جواب نرسیده است و برای اطلاع شما مخصوصاً می‌نویسم که در مراسلات رسمیه با قونسول‌های خارجه عبارتی که سخت به نظر می‌آید و چندان هم لزوم ندارد، استعمال نکنید و تا ممکن است با عبارت دوستی‌آمیز مکاتبه کنید که اسباب شکایت آنها نشود.

امضاء: نصرالله مشیرالدوله

۱۳۲۰-۱۴-۱۲۰۱-۵۷ ق

سند شماره ۳۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

بوشهر، طهران

نمره جواب ۱۴ دولتی

عدد کلمات ۶۷

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم افخم بندگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه - دام اقباله العالی - تلگراف رمز حضرت مستطاب اجل عالی - دام اقباله - را عمده الامرالعظام سدیدالسلطنه، مصحوب پست از بندرعباس فرستاده و یوم یازدهم ذی حجه زیارت شد. چون که مشارالیه در بوشهر حضور ندارند، ممکن نشد جواب را رمزاً عرض کند. به این جهت تقضیل را مصحوب پست دولتی به عرض می‌رساند.

امضاء: علی

۱۳۲۰-۱۴-۱۲۰۱-۸۳ ق

سند شماره ۳۱

نمره ۹۰۴

سواد کاغذ وزارت خارجه به فاضل شیر ایبانی

۲۴ ربیع الثانی ۱۳۲۰

در خصوص رفتار سدیدالسلطنه مأمور تذکره بوشهر شرحی مرقوم مفصل بوده، زیارت شد. به اداره تذکره سپردم که از رفتار مشارالیه نسبت به زوار و عابرین ایرانی تحقیقات دقیقانه به عمل بیاورند. اگر به طوری که زوار شکایت کردند، به سوء سلوک و تعدی رفتار می‌کند، تغییرش بدهند و از حضرت عالی هم کمال تشکر و امتنان دارم که اینگونه مطالب را برای آگاهی مرقوم نموده وزارت خارجه را از اعمال مأمورین تذکره

مستحضر فرمایند. (نصراالله مشیرالدوله)

۱۱-۲۳-۱۳۲۰ ق

سند شماره ۳۲

تصدق حضور مبارکت گردم؛ همواره استقلال و ابقای ذات اقدس فوق تمثال و مسئلت موجب آسایش عمومی است، خاصه خانزاد امیدوارم خداوند عالم انا و فانا به عمر و عزت و شوکت و اقبال بی‌زوال بندگان حضرت مستطاب اشرف - روحی فداه - انتصار دهد و حال خانزاد را تصدق آستان مبارک نماید. بعد از ادای فریضه عبودیت و خانزادی معروض می‌دارد، حسب امر مطاع مبارک کفیل کارگزاری وقایع گفتگوی متوکلین مأمور با خانزاد از روی حقانیت از خانه‌زاد خواست. خانه‌زاد مطالب را کما هو حقه با مختصر تظلمی از سوءسلوک و کثرت جریمه و ستم‌های بی‌اندازه حکام و مأمورین سابق بالنسبه به خانه‌زاد عفاً خدمت جناب سدیدالسلطنه عرض کردم. بعد از چند روز جناب معظم‌الیه به سمت بنادر نموده و معلوم نشد که در این قضیه چه نوع اقدام کرده. همین قسم عمل خانه‌زاد معوق می‌باشد. حیرانم که تکلیفم در انجام دادن معاش جمع کثیری عیال چیست، جز آستان قوام در جهان پناهی نیست. بر جمیع اهالی بوشهر واضح است که مأمورین محترم سابق جناب دریاییگی و حاج واثق‌الملک و مدحه‌الوزرا چندان ظلم و جریمه به خانزاد کردند که از هستی ساقط و به نان شب محتاج می‌باشم چندین فقره خانه‌زاد زنجیر و جهازهم تجهیز به جهت طلب منفعه خودشان می‌کردند. به اسمی که شکایت شما از بالیوز صاحب رسیده است، همین قسم عملم ناتمام گذاشتید، باز هم از طهران خانزاد را تحدید می‌کنند و می‌نویسند که چراغ از بهر تاریکی نگه‌دار. به دولت اقدس احدیت قسم که روزگار خانه‌زاد را از هر سیاهی سیاه‌تر کرده‌اند، دیگر ملجأ و پناهی به جز آستان مبارک ندارم. محض آن خانزاد را از شر تعدی و تحکم و اسباب چینی‌های آن‌ها خارجه نجات فرمائید، دادخواهی نمائید و سزوار به مراحم عمیم حضرت مستطاب اشرف ایران‌مدار - روحی فداه - چنانم که نسبت به خانه‌زاد رحم و تفضیلی فرمائید و امر صادر نمائید که مجلسی تشکیل داده شود و رسیدگی از روی حقانیت به عمل خانه‌زاد بشود که زیاده در چهار سال گرفتار ادعای باطله ... نباشم. و زیاد از این مسئله جسارت نورزم. الامر الاجل العالی مطاع مطاع مطاع مطاع. خانه‌زاد محمود

۱۵-۲۳-۱۳۲۰ ق

سند شماره ۳۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به نصرت‌السلطان کارگزار خارجه و رئیس تذکره بنادر فارس

۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۱

صورت حساب سدیدالسلطنه را باداره تذکره فرستاد و باقی او را از قرار قلمدادی خودش مبلغ دویست و شصت و چهار تومان و شش هزار و دویست و بیست لیار معین کرده و مفاضاً وقتی داده می‌شود که تمام حساب تفریق و بعد عاید اداره شده باشد. اگر این مبلغ باقی را دریافت کردم و به حساب خودتان آوردید، به

اداره تذکره بنویسید. مفاصاً آن را هم برای شما خواهند فرستاد که به سدیدالسلطنه بدهید و الا پس از گرفتن باقی و اطلاع شما از اداره تذکره مفاصاً خواهند فرستاد.

نصرالله مشیرالدوله

۴-۲-۲۷-۱۳۲۱ق

سند شماره ۳۴

نشان تاج و شیر و خورشید

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره ۱

عدد کلمات ۵۴

حضور مبارک بندگان حضرت اجل ارفع اشرف اعظم آقای مشیرالدوله - روحی فداه - فدوی از برج عقرب الی آخر هذه السنه توشقان ثیل عمل تذکره راجع به جناب فخامت نصاب سدیدالسلطنه کارگزار لنگه نموده استدعا دارد همه قسم تقویت و مرحمت درباره مشارالیه فرمائید. فدوی محمد علی انصاری

۴۸-۲-۲۷-۱۳۲۱ق

سند شماره ۳۶

بوشهر ۱۹ شهر جمادی الاخر ۱۳۲۱

نمره ۱۵۰

در باب محمد حسن عمانی بر حاجی عبدالهادی، فرضاً تبعه دولت علیه عثمانی درباره محمد حسن ثابت باشد، باز این مرافعه راجع به حکومت محلیه می شود؛ لهذا بجناب سدیدالسلطنه قدغن اکید شد، مراقبت نماید. عمل آنها به استحضار خودش در دارالحکومه رسیدگی شده، قطع و فصل شود و هرگاه در آنجا قطع شدنی نباشد، طرفین را ملتزم نماید به بوشهر آمده قطع این گفتگو را بنماید و البته نتیجه را به عرض حضور مبارک خواهد رسانید. الامر الاشراف الاعظم العالی مطاع مطاع

فدوی محمد علی انصاری

۴۵-۱۰-۱۶-۱۳۲۱ق

سند شماره ۳۷

بوشهر ۲۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۱

نمره ۱۴۰

سابق بر این کشتی های روسی، سالی سه چهار مرتبه به بنادر خلیج فارس عبور نموده و هرچند وقت یک مرتبه به عهده یکی از تجارتخانه های بوشهر وارد شده که امورات آن کشتی را کفالت می نمود. اکنون

چنان که سابقاً عرض شده، کشتی‌های تجارتی ماهی اقلأً یک دفعه مرتباً خواهند ماند و وکیل مخصوص از طرف شرکت جهازات به بوشهر و بصره فرستاده شده است و در اینجا هم جناب سدیدالسلطنه که در نقطه خیلی مرغوبی در ساحل دریا واقع است، اجاره نموده. چند روز قبل علم کمپانی را در پشت بام آنجا نصب کرده و بیرق کمپانی را در آنجا افراشتند این وکیل جهازات از قراری که که اعلان داده است، وکالت از غالب کمپانی‌های تجارتی روسیه داشته همه قسم معامله و داد و ستد خواهد کرد و از قرار مفهوم شعبه از بانک مسکو و غالب تجارتخانه‌های روسیه عن قریب در بوشهر باز خواهد شد. محض استحضار خاطر عاطر مبارک به عرض رسانید. الامر الاشراف الاعظم العالی مطاع مطاع مطاع مطاع.

فدوی محمد علی انصاری

۷۳-۱۰-۱۶-۱۳۲۱ق

سند شماره ۳۸

نمره ۱۴

اداره تذکره بوشهر

۴ شهر رمضان ۱۳۲۱

قربان حضور مبارکت گردم. برحسب حکم مبارک جناب نصره السلطان، کارگزاری بنادر ۲۳ شعبان از بوشهر روانه محمره شدند که از آنجا عازم بصره و بغداد بشوند. دفاتر و مهر کارگزاری با اینکه سدیدالسلطنه نائب کارگزاری در بوشهر بوده سپرده به حاج میرزا حسین وکیل سابق قونسولگری فرانسه نمودند که به کارگزار جدید تسلیم نماید. جناب موقرالذوله در بیست و پنجم شعبان وارد بوشهر شدند. جناب نصره السلطان عمل تذکره بنادر را تا آخر سال واگذار به سدیدالسلطنه نمودند. جناب علاء الدوله در ۲۵ شعبان وارد بوشهر شدند. سایه مبارک مستدام و پاینده باد هم.

۸۸-۱۰-۱۶-۱۳۲۱ق

پژوهشگاه خاندان حسین و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمد حسن نیا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۲۲ بهمن ۱۳۹۱
بیت

بیت شعران کاندلک و صدور در آن مردان
لدر احم خورشید سخاوت از آن خدیو در بخت
صفا تا حال و با در عسرت غمزدانه چو نایب
کاشف در آنجا خیزم در آن شعر خیز از بهر روز
و آن شعر از آن صبر را کم با آن که از آن
مردم در آن روزان که کاندلک در آن شعر خیز
که شعران کاندلک و کفایت شعران هر روز
مقاوم بکنند در آن بیت کفایت شعران
و در آن بیت شعران هر روز شعران هر روز
و آن شعر در آن روزان که کاندلک در آن شعر
در آن روزان که کاندلک در آن شعر

۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲



شماره ۱۳۰۰ اخبار و تلکرافات در دولت علیّه ایران

ممنوعه	عدد کلمات	نایب اصلاً و مطلب		اطلاعات
		روز	ساعت	
۳۶			دقیقه	۲

جناب سرور ادب و مروت جناب سرور را در روزهای ۱۳۰۰ در کتبی است
 از کتبه و خواه کرد اگر من هم بخوانم اگر من هم بخوانم چون دادار در اداره حضرتعالی مدتی مسافرت دارد و
 حضرتعالی هم با من آدم اثر نمکند و الا منور از همه حضرتانها انما منور کرده ام که هر که است که در این لحظه به تمام او
 با صبح روزی کرده و پول که گرفته اند اگر من هم کتب حضرت سیدانها در این روز رحمت تفریح بود ستان
 از هزار نفر از این روز دو و در دهه قالی گرفت منور را در کتبه منور را نوشته من حضرت بودی کرده
 داده و فرستاده حضرتانکه شاه به من و من منور شده و از قادی است بر داده منور شدیم حالا
 پوهما را با لوط به من در در قطع منور منور منور رضایع



رتال جامع علوم اسلامی

نویسنده تلکرافخانه	گرفته شد	کپی شده مطلب
۱۳ شهریور	دقیقه	۳۱

پیام بهارستان / ۲۵، ۱۹ ش، ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

دادگانه وزارت خارجه لکارگزاران

سیخ نذر مغانه ۱۳۱۹

خبر نرسد نقاب به در نظر در آن است دور کارگزاران
 مهله دوکست همه وقت کمال مروت و مراقبت را در حفظ حقوق
 تابع دولت علیه نظم دور کارگزاران است و عانی نذرانها
 و طبعات منفرد و انحصار دور در امور خارجه را قرین اطلاع
 در بصره است در آنجا است در آنجا است در آنجا است در آنجا است
 کارگزاران است در آنجا است در آنجا است در آنجا است
 کارگزاران است در آنجا است در آنجا است در آنجا است

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۵، ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

۳۳۳

برادر کاغذی زاده شهر سیدالسلطنه در روز
مردم ۲۵ رمضان ۱۳۱۸

از وصول راجه در روز ۲۲ مرداد ۱۳۱۸ و منتهی به ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۸
بجای با راجه میسر بود و تقویت و ترمیم و ترمیم و ترمیم
در وقت که در سینه در خانه دولت است که من طبع
و در وقت که در سینه در خانه دولت است که من طبع

بگویم مطالب از راه راجه است (نصراست)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۵۲۸

۱۹۱۸
۱۹ تیر ۱۳۱۸
برادگان خدمت خارجه سواران کنگره اداره

در جواب رسیده مورخه (۱۲) تیر ۱۳۱۸ در باب آنکه در این روز در شرح آنکه سید سلیمان معزول بدین
تشریح وزارت امور خارجه فرستاده است جهت بدین جهت که اینک چهارده آید است زیرا در این جهت که در این جهت که در این جهت
مردن گردیده و اداره است در صورت که این جهت است و بعد از وصول جهت این امر است که داده می شود
خاصه مورخه ۱۲ تیر ۱۳۱۸ در این جهت که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت
وصول شده است یا نشود و اگر نشود است از این جهت که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت
جهت آن بشماره بر این جهت که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / ۲۵، س ۵، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

برادر کمالی حضرت میرزا زین العابدین
۱۳۹۲

در بیست و نهمین روز ۱۳ شهریور الحاق شد به این کتب از جمله در شهر کابل
مجلسی در اواسط ربیع الثانی و در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
از دسترس مردمی که در اداره به در عهد کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
این کتاب هم در عهد کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
از عهد کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب و کتب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تاریخ شمسر ۱۳۱۹
شماره ۵

۴
کتابم
دست‌نویس کرامت‌نوم ۱۳۱۹ هجری
تاریخ

۵
شماره اسناد کرامت‌نوم
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۶
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۷
کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

شماره ۹

۲۴ رمضان ۱۳۱۹

بیت

تصدیق نم
 این خطه در روز دوشنبه نهمه نایب از ذره تحقیقات مذکور در روز
 پنجشنبه در راه برود خا از صفت و کفایت نیت در کار کرده است
 که از راه سعادت داد و امانت این را بهر آنکه در بر اوضاع انجمن و در تمام نوازده کرده
 برت بخنده در راه از اوقات نظیر را سپید کرده و ضبط از آن جهت را نغمه در تمام و مختصراً
 عرض کنیم هر چه است خدا بر آن عمل کرده باشد فی الواقع در زمان گذشت نبود -
 از راه در عرض کنیم که نیت و اولاً در آن زمان در چند نفر که در شهر و بطبع فکر با یک شایسته است
 از همان مردم که بعد از هر چه را باید بعد از هر چه از راه در وقت ذروه و نیت است
 خدا در هر چه در وقت و نیت

شیخ سعادت کار کرده را ام ... و ...

Handwritten notes and signatures in various styles, including a large signature at the top right and several columns of text below.

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

تصدق حضرت مبارک است هم پیره غلام چند هفته است عرض کرده که مرا بی درنگ
 بحضور براه آنرا مبارک عرض شده است تاکنون از طرف قریب الشرف
 بجواب مقرر نشده در ستم نیز بخیر تمام جواب آقا می بینم
 با نژاد طغز اهلند و چهار کتا، پسر و دختر الله شکره با یک بسته نذر
 و امضا از طرف خانبهرازیه بخدمت رسید. فوراً فرستاده اجراء شد
 و حاضر شد اعلیٰها و فرموده اند که دادم بپیر بند در محکوم الله و کسب
 رفته ام بنیام که در میان نوشته لغت مردم رسانیدم تمام
 نهم فرستادم نزد سید السلطنه بجهت مهر مکره و تذکره آبی که نژاد
 باقی است جواب دارم ای بابی کاغذ شما بفرماید و لغت آن
 چهارم و پنج از وزارت حیدرآباد و خارج در محکوم دادم
 در حکم فرموده که ما سپید مذکور را منجی بدینجا است و سلطنت هم به
 اداره مرکز برین قسم میرود منزل عبد الحمید خان و نور علی خان
 مؤلف مکرر آریم، انگلیز کرده بعینه از اسباب مراجعت نهم
 محرف و ائین الملک رفته و امیدارد توسط جناب شیخ السلطنه
 مکرر از طرف حضور مبارک منبأ نیز که در محال حرکت دارد
 چه وقت در آنرا سید خارج رفته نهم وجه قسم مرتزاقانند بدین
 حرکت بنالید جواب باید بنقسم اشتباه کارها را سنجید مبارک
 محض اغراض نفسانی و چهار ساله شود و بر بند نایب

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲

۹۳۵

مادامه در دست خالص به آن صاحب هم در آن حق ابراهیم در برهم
۳۳۰ ته نشانی ۱۳۲۰

لا نغده تا مورخ ۲۹ در صبح المرف ۱۳۲۰ در سه ذی القعدة که در آن ختم المزاره مظهر محمد صاحب دارالمصنوعین فی آن ابراهیم
الطهارت ختم المزاره کلمه منزهه و مکیده به تا قویط به لطفه بولج با و و عدو که در آن قبول کرده است در قسم از سید به لطفه یعنی صفین فان دارالم
با و هجوعی که مندرج در لیست که تواند ادری را تا اناست در دست دارالم ابراهیم از آن تا تحقیق در سه در کلمه ه. ال قوراءت به سید مظهر
معلق کلمه ادری و هجوعی به در آن ایچ نشه و ذلیر و غیره کلمه نطق تحقیق در سه در کلمه ه. ال قوراءت یا مندرج در آن ابراهیم ابراهیم